

فَتَحی در سریال امام علی فقط نقش عمروعاص را بازی نمی‌کرد بلکه او در این سریال، نقش خود امام علی را بازی می‌کرد. نقشی بدون صورت و کلام که فقط دست‌ها و بدنش، معلوم بود. البته این نکته را خیلی از آنها که داشتند با ریزبینی سریال را می‌دیدند، کشف کرده بودند چون بند انگشت کوچک فتحی، شکسته و خم نمی‌شد



یادی از مهدی فتحی به بهانه بازیخشی سریال امام علی (ع)

## استاد مسلم مونولوگ‌ها



احسان ناظم‌بکایی  
روزنامه‌نگار

۲۹ اسفند ۸۲، چند ساعت مانده بود تا توپ تحویل سال نوشلیک شود که روح مهدی فتحی از روی تخت شماره ۱۰ بیمارستان شهدای تجریش تهران به آسمان پر کشید. فتحی ۶۴ ساله از جمله بازیگران کارگشته و قدر نادانسته سینما و تلویزیون به‌شمار می‌رفت. او از آن دسته بازیگرانی بود که هیچ وقت ستاره نمی‌شوند اما به فیلم‌ها اعتبار می‌دهند. درست مثل لارنس اولیویه، الک گنیس، فرهاد اصلانی، سعید پورصمیمی و... فتحی در زمستان ۸۲، چندباری دچار مشکلات قلبی شده بود اما سرانجام در آخرین روز زمستان، مرگ او را در آغوش گرفت. او ۱۷ سال قبل در هیاهوی نوروز رفت. تقارن رفتن‌اش با نوروز باعث شد تا در این یک دهه، کمتر نشریه و رسانه‌ای سراغ این استاد فقید فن بیان برود. همه درگیر انتشار ویژه‌نامه‌های نوروزی بوده و هستند و تزریق شادی در جامعه، دلیل و فرصتی برای پرداختن به تلخی نبودن فتحی نمی‌دهد. این روزها، بازیخشی سریال امام علی از شبکه آی‌فیلم، بهانه خوبی دستان داد تا یادی از مهدی فتحی کنیم که یکی از شاه‌نقش‌های این سریال را در تاریخ هنر نمایش ایران، ماندگار کرده است. گزافه نیست اگر مدعی شویم عمروعاص سریال امام علی با هنرنمایی فتحی بود که خیره‌کننده و تحسین‌برانگیز از آب درآمد.

نقش ابوسفیان را بازی کند که کوتاهی نقش و همین‌طور نحوه مرگش، باعث شد تا ابوسفیان را جهانگیر فروهر بازی کند و عمروعاص، نصیب فتحی شد تا چیره‌دستانه ماندگار شود. نقش عمروعاص به‌طور واضحی معاشقه عجیب و حل شدن خاص فتحی در نقش را به تصویر می‌کشد. دیالوگ‌های پرکنایه و تلفیق ادبیات گذشته و امروز داوود میرباقری و حسین پناهی که نه مثل دیالوگ‌های کیمیایی حق به‌جانب، نه مثل بیضایی پیچیده و نه مثل علی حاتمی ادیبانه و شاعرانه بود در کنار چفت شدن بازی فتحی با رفیق قدیمی‌اش بهزاد فراهانی که نقش معاویه را بر عهده داشت، در ماندگاری کار فتحی، یاری‌اش کردند. فتحی که در این سریال، مردی در میانه دهه ۵۰ زندگی‌اش بود هم اکت و حرکت قابل توجهی داشت و هم قدرت فن بیانش را به نمایش می‌گذاشت. صحنه‌هایی مانند دمام‌زنی‌اش در جنگ صفین که سپاه امام علی (ع) را به خیال خراب کردن آب‌بند رودخانه، فراری داد یا فرار از برابر امام علی (ع) و حربه عریان شدن برای نجات جان‌ش یا اجرای تئاتر سوفوکل با کنیز رومی (آرتا حاجیان) از نمونه‌های بازی‌های پرحرکت فتحی‌اند. دیالوگ‌ها را هم با نهایت دقت ادا می‌کرد مثلاً در قضیه حکمیت با لحن پرکش و غمزه‌اش ابوموسی (عباس امیری) را گول می‌زد که: «پرنده عرش کجا و چرنده ارض کجا؟» اما فتحی در سریال امام علی فقط نقش عمروعاص را بازی نمی‌کرد بلکه او در این سریال، نقش خود امام علی را بازی می‌کرد. نقشی بدون صورت و کلام که فقط دست‌ها و بدنش، معلوم بود. البته این نکته را خیلی از آنها که داشتند با ریزبینی سریال را می‌دیدند، کشف کرده بودند چون بند انگشت کوچک فتحی، شکسته و خم نمی‌شد.

### آخرین قاب‌های ماندگار

یک سال بعد از پخش سریال ۱۷ قسمتی امام علی، فرهنگسرای بهمن که به تازگی از خرابی‌های کشتارگاه تهران سربرآورده بود میزبان تئاتر «بینوایان / بهروزغریب‌پور» بود. زوج فتحی - فراهانی این بار روی سن در برابر هم بودند. فتحی، ژان و الزان بود و فراهانی هم ژاور. در این یک سال که بینوایان در جنوب تهران اجرا می‌شد، ساکنان شمال تهران و محلات چیدر، قیطریه و خیابان حکمت، هر روز مردی را لباس‌های قدیمی و بارانی‌نדה می‌دیدند که در خیابان‌ها پرسه می‌زند. مدتی بعد، وقتی تئاتر بینوایان به صورت تلویزیونی، ضبط و پخش شد آن وقت خیلی‌ها فهمیدند آن مرد بارانی‌پوش، همسایه‌شان مهدی فتحی بوده است. که این ریاضت را می‌کشیده تا نقش ژان و الزان را در خودش حل کند. فتحی یک سال بعد در مراسم افتتاحیه بازی‌های غرب آسیا که توسط بهروز غریب‌پور کارگردانی می‌شد با گریم فردوسی، شاهنامه خوانی کرد. مهدی فتحی از اواخر پاییز ۸۲ دچار عارضه قلبی شد و به بیمارستان ایرانمهر قلعهک رفت اما مشکلات مالی و هزینه دومیلیون تومانی بیمارستان باعث شد تا او را بعد از چند روز به بیمارستان دولتی شهدای تجریش منتقل کنند. فتحی در آخرین روز زمستان ۸۲ رفت و در سومین روز بهار ۸۳ بر دوش تشییع‌کنندگان بهت‌زده که مرگ او را در ۶۴ سالگی باور نداشتند به سمت بهشت‌زرها رفت و در خانه ابدی‌اش در قطعه ۸۸ که به قطعه هنرمندان مشهور شده، به خاک سپرده شد.

مهدی فتحی از اولین دانشجویان دانشکده هنرهای دراماتیک تهران بود که به‌عنوان دانشجوی ممتاز، دوره تحصیلی‌اش را سال ۱۳۳۸ تمام کرد اما یک سال قبل از آن، در حالی که هنوز ۲۰ سالش نشده بود با ورود به هنرکده آزاد آناهیتا، آموزش بازیگری را ادامه داد؛ دورانی که هشت سال طول کشید و در کنار چهره‌هایی مثل محمود دولت‌آبادی، مهین شهابی، پرویز بهرام، جعفر والی، کاظم هژیرآزاد و... بالید. او در این هشت سال حدود ۲۰ نمایش بازی کرد؛ نمایش‌هایی مثل «اتللو»، «هیاهوی بسیار برای هیچ»، «ریش‌تراش سوویل» و «طبقه پنجم» که کارگردان‌شان مصطفی اسکویی بود. فتحی، هشت سال بعدی را با گروه زمان‌گذرانند و نمایشنامه‌های چخوف مانند «خرس و خواستگاری» و «سه خواهر» را به کارگردانی مهین طاقانی روی صحنه برد. تماشاگران در کنار چهره‌هایی مثل عزت‌الله انتظامی و علی نصیریان، جوانی را می‌دیدند که در نقش‌هایش حل شده و چنان برطنین روی صحنه حرف می‌زند که انگار روح شخصیت‌ها در او حلول کرده‌اند. تکنیک معاشقه با نقش و تاکید بر کلامش، او را کم‌کم به وزنه موثری در تئاتر دهه ۵۰ که به دهه طلایی تئاتر معروف است، تبدیل کرد و استاد فن بیان هنرکده آناهیتا و دانشکده هنرهای دراماتیک شد. فتحی به تعزیه هم علاقه داشت، برای همین مدتی در یکی از گروه‌های تعزیه در نقش اشقیان‌خوان (نقش منفی) بازی کرد. این سابقه بعدها داوود میرباقری را متقاعد کرد تا از او برای نقش عمروعاص در مجموعه تلویزیونی امام علی استفاده کند. البته فتحی علاوه بر تئاتر و تدریس به دکلمه اشعار انقلابی هم می‌پرداخت.

### ورود به سینما

اما اهالی سینما او را سال ۶۶ شناختند وقتی در ۴۸ سالگی، نقش مفاخر که محترمی سواد شکر بود را در «تحفه‌ها / ابراهیم وحیدزاده» بازی کرد. اولین تجربه سینمایی او را نامزد سیمرغ نقش اول ششمین جشنواره فیلم فجر کرد تا آغازی توفانی بر پرده نقره‌ای داشته باشد. گرچه فتحی ۲۰ سال پیش از این در فیلم «زن خون‌آشام / مصطفی اسکویی»، بازی کرده بود. سال ۶۷، محمد بزرگ‌نیا، فتحی را ناخدای کشتی آنجلیکایش کرد تا سرعت او در مسیر سینما شتاب بیشتری بگیرد.

فتحی در ۲۱ فیلم سینمایی بازی کرد که علاوه بر تحفه‌ها، برای نقش چرچیل، صاحب هتل چشم‌هیز در فیلم «آدم برقی / داوود میرباقری» نامزد جایزه نقش مکمل دومین جشن خانه سینما شد و در سال ۷۸ هم برای بازی در نقش کوتاه محسن خان دربندی در «اعتراض / مسعود کیمیایی» در جمع نامزدهای سیمرغ بهترین نقش مکمل مرد جشنواره هفدهم فجر قرار گرفت. دیالوگ‌های محسن خان دربندی در ابتدای این فیلم «سلامتی سه تن / رفیق و ناموس و وطن...» از دیالوگ‌های ماندگار و شنیدنی سینمای ایران است.

### ماندارترین نقش

۱۰ سال بعد از ورودش به سینما، این بار نوبت اهالی تلویزیون بود که او را بشناسند. داوود میرباقری در سومین سریالش، امام علی، نقش عمروعاص، وزیر معاویه را به او سپرده بود. پیش از این قرار بود فتحی

